

تاثیر جو خانوادگی بر تمایلات روان رنجورانه ی فرزندان

دکتر پگاه فرخزاد^۱

هدف این پژوهش، تاثیر جو خانوادگی بر تمایلات روان رنجورانه ی فرزندان بود. به این منظور ۷۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه به شیوه ی در دسترس از دانشجویان دانشکده ی روان شناسی و مشاوره ی دانشگاه های مختلف در استان تهران انتخاب و با پرسشنامه های جو خانوادگی و شخصیت روان رنجور مورد آزمون قرار گرفتند. یافته ها، نشان می داد که بین گرایش های روان رنجورانه ی فرزندان با انسجام و بیانگری خانوادگی، رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. گرایش های روان رنجورانه با تعارض خانوادگی، رابطه ی مثبت و معناداری دارد و در بُعد رشد شخصی خانوادگی، بین گرایش های روان رنجورانه ی فرزندان با پیشرفت مداری، رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: جو خانوادگی، تمایلات روان رنجوری، شخصیت

مقدمه

خانواده، کوچکترین و مهمترین واحد اجتماعی است. این واحد اجتماعی کوچک ولی بسیار مهم نقش اساسی و حیاتی در شکل گیری شخصیت کودکان و همچنین تامین بسیاری از نیازهای بنیادی فرد و جامعه و به طور کلی، نیازهای جسمی و روحی آنها ایفا می کند. شخصیت کودک، به طور مستقیم تحت تاثیر رفتارهای واقعی والدین و در جریان تعامل با آنها شکل می گیرد (دیلون^۲، ۲۰۰۵). به عقیده ی مید^۳ (۱۹۳۴) "خود" برخاسته از بافت اجتماعی معینی است که کودک در چارچوب آن با دیگران به تعامل می پردازد. افراد را نمی توان بدون درک بافت اجتماعی که در آن زندگی می کنند، شناخت. طرح ها و الگوهای رفتاری معین که در بافت اجتماعی مشخصی وضع شده اند آموخته می شوند و بر این اساس است که نگرش ها و نوع ارتباط ثابت و دایمی باقی می ماند (دیاز^۴ ۲۰۰۵).

۱. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن pegahfarokhzad@yahoo.com

2. Dhillon

3. Mead

4. Diaz

شخصیت، به نظر گوردون آلپورت^۱ آن چیزی نیست که وجود دارد بلکه، چیزی است که در حال شدن است؛ یعنی یک سازمان پویای درونی از خودآگاهی که در زمان تولد ایجاد نمی شود بلکه به تدریج و به آهستگی طی سالها شکل می گیرد و به طور دایم در حال تغییر است و به صورت نهادی متفاوت درمی آید (غنی آبادی، ۱۳۷۸). بسیاری از نظریه پردازان، اعتقاد دارند که شخصیت افراد، متأثر از خانواده و تجربه های زندگی آنهاست. رشد سالم و موفقیت در زمینه های متعدد زندگی، متأثر از الگوهای ارتباطی حاکم بر محیط خانواده است. کودکی که در یک خانواده ی گرم، صمیمی و حمایت کننده متولد می شود، با کودکی که در یک خانواده ی سرزنشگر، سختگیر و مجازات کننده به دنیا می آید، تجربه های زندگی متفاوتی دارد. تجارب اولیه ی کودک در خانواده سازنده ی شخصیت و رفتارهای بعدی وی است؛ به گونه ای که ریشه ی بسیاری از انحرافات شخصیتی و بیماری های روانی را باید در تربیت نخستین کودک جستجو کرد (ماسن، بی تا). فرایندها و کنش های خانواده، مانند کیفیت ارتباط والد - فرزند، تاثیر زیادی بر رشد احساس خود ارزشمندی و کفایت اجتماعی در دوران کودکی دارد (هریسون^۲ ۲۰۰۲). روان شناسان، متوجه شده اند که شیوه های پرورش و تربیت فرزند بر بسیاری از جنبه های روان شناختی از جمله رشد روان شناختی، سازگاری اجتماعی، احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس بالا، موفقیت در کارها و مشکلات رفتاری در نوجوانی، تاثیر فراوان دارد (بلانتین^۳، ۲۰۰۱).

رفتار روان رنجوری، رفتار ناسازگارانه ی انعطاف ناپذیری است که با خصوصیات چونی اضطراب بیش از حد، تعارض های هیجانی، ترس های غیرمنطقی، ناراحتی های جسمانی بدون منشا عضوی و میل به اجتناب از موقعیت های تنش زا به جای مقابله ی موثر با آنها همراه است. به طور کلی، مفهوم روان رنجوری، یک اختلال مشخص بالینی نیست بلکه، مجموعه ای کلی از ویژگی های رفتاری است (هالوران^۴ و دیگران، ۲۰۰۲). در محیط گرم و دوستانه ی خانواده که در آن پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده، دارای روابط خوب و صمیمانه ای هستند، معمولا کودکانی سالم، با شخصیتی مثبت و فعال باری آیند که بازتاب عشق و علاقه ی خانوادگی را به صورت کار و کمک به دیگران نشان می دهند. برعکس، خانواده ی ازهم پاشیده و همچنین زندگی در محیط های آلوده و منحرف کننده عدم مراقبت دقیق والدین و بی توجهی آنان به امر تعلیم و تربیت فرزندانشان، اساس کجروی ها را در کودکی پایه گذاری می نماید که این امر، در نوجوانی با شدت و حدت بیشتری ظاهر می شود

1. Gordon Allport

2. Harrison

3. Ballantine

4. Halloran

(ستوده، ۱۳۸۷). هدف پژوهش حاضر، آن بود که تاثیر جو خانوادگی بر تمایلات نوروپتیکی در فرزندان را بررسی نماید.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

شرکت کنندگان پژوهش حاضر، شامل ۷۰ نفر از دانشجویان دختر بودند که به شیوه ی در دسترس از دانشجویان دانشگاه های مختلف در استان تهران انتخاب شدند. دامنه ی سنی شرکت کنندگان بین ۲۰ تا ۲۵ سال بوده و همه ی آنها در مقطع کارشناسی و در رشته های روان شناسی و مشاوره مشغول به تحصیل بودند.

ابزار

پرسشنامه ی جو خانوادگی^۱: این پرسشنامه، توسط موس و موس^۲ (۱۹۹۴) جهت اندازه گیری محیط اجتماعی خانواده، طراحی شده و شامل ۹۰ سوال «درست نادرست» و ۱۰ خرده مقیاس است. این خرده مقیاس ها سه بُعد رابطه ی خانوادگی که شامل انسجام بیانگری و تعارض؛ بُعد رشد شخصی خانوادگی (یا هدف مدار) شامل استقلال، پیشرفت مدار منطقی - فرهنگی مدار، پرتکاپو - تفریحی مدار و اخلاقی - مذهبی مدار؛ و بُعد بقای نظام خانوادگی، شامل سازماندهی و کنترل را می سنجند. بُعد رابطه ی خانوادگی و بقای نظام خانوادگی، نشان دهنده ی کارکرد درونی خانواده است؛ در صورتیکه بُعد رشد شخصی خانوادگی، نشان دهنده ی ارتباط بین خانواده و اجتماع بزرگتر است. پرسشنامه ی جو خانوادگی، به اندازه گیری کل محیط خانوادگی یک فرد و اینکه چطور این ابعاد می تواند بر شخصیت و سلامت روان یک فرد تاثیر بگذارند، کمک می کند. ضریب پایایی این آزمون برای ۱۰ خرده مقیاس محاسبه شده است. در این میان، کمترین میزان (۰/۶۸) به خرده مقیاس استقلال و بالاترین میزان (۰/۸۶) به خرده مقیاس انسجام است. این امر نشان می دهد که پرسشنامه و خرده مقیاس های آن از پایایی مطلوبی برخوردار است.

پرسشنامه ی شخصیت روان رنجور کندو^۳: این پرسشنامه جهت سنجش گرایش های روان رنجوری بزرگسالان طراحی شده است و دارای ۶۶ سوال است. ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از

1. Family Environment Scale

2. Moos and Moos

3. Kundu's Neurotic Personality Inventory

روش دو نیمه کردن در دانشجویان مرد (۰/۸۹ و ۰/۸۵) و دانشجویان زن (۰/۸۰ و ۰/۸۸) و همچنین آزمودنی‌های روان‌رنجور (۰/۷۲ و ۰/۸۰) گزارش شده است. ضریب اعتبار این پرسشنامه در آزمودنی‌های مرد، ۰/۸۶ و در آزمودنی‌های زن، ۰/۸۷ به دست آمده است و به منظور کاهش اثر پاسخ‌های دروغ و همچنین، کاهش ماهیت و تعداد پاسخ‌های سودار، مواد یا محتوای غیر پرخاشگرانه در آن گنجانده شده است.

یافته‌ها

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره، برای تمامی متغیرهای پژوهش ارایه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	تعداد
انسجام	۵/۸۳	۱/۸۲۶	۱	۸	۷۰
بیانگری	۵/۲۴	۱/۶۵۴	۲	۹	۷۰
تعارض	۳/۵۱	۱/۹۷۶	۳	۸	۷۰
رابطه‌ی خانوادگی	۱۴/۶۰	۲/۷۷۴	۹	۲۱	۷۰
استقلال	۵/۲۷	۱/۴۴۴	۲	۸	۷۰
پیشرفت مدار	۶/۱۴	۱/۴۹۷	۱	۹	۷۰
منطقی - فرهنگی مدار	۵/۰۰	۱/۶۹۴	۱	۹	۷۰
پرتکاپو - تفریحی مدار	۴/۵۷	۲/۱۳۷	۰	۹	۷۰
اخلاقی - مذهبی مدار	۵/۷۰	۱/۷۲۲	۲	۹	۷۰
رشد شخصی خانوادگی	۲۶/۷۰	۵/۱۰۰	۸	۳۸	۷۰
سازماندهی	۵/۶۷	۲/۲۶۳	۰	۹	۷۰
کنترل	۴/۴۴	۲/۰۵۵	۰	۹	۷۰
بقای نظام خانوادگی	۱۰/۱۷	۳/۲۳۰	۲	۱۸	۷۰
رفتار نوروبتیکی	۱۸۷/۹۱	۳۹/۳۸۱	۸۵	۲۸۳	۷۰

به منظور بررسی رابطه ی خرده مقیاس‌های جو خانوادگی و گرایش‌های روان رنجوری در فرزندان از روش همبستگی پیرسون استفاده شد، نتایج این محاسبات در جدول ۲ ارایه شده است.

جدول ۲: همبستگی مقیاس های جو خانوادگی با رفتار روان رنجورانه

متغیرها	رفتار نوروتیک	معناداری
انسجام	-۰/۲۲۲	۰/۰۵
بیانگری	-۰/۲۰۵	۰/۰۵
تعارض	۰/۲۲۵	۰/۰۵
رابطه ی خانوادگی	-۰/۱۰۵	-
استقلال	۰/۰۰۹	-
پیشرفت مدار	۰/۲۶۵	۰/۰۵
منطقی- فرهنگی مدار	-۰/۱۱۰	-
پر تکاپو- تفریحی مدار	-۰/۱۵۳	-
اخلاقی- مذهبی مدار	-۰/۰۶۸	-
رشد شخصی خانوادگی	-۰/۰۴۵	-
سازماندهی	-۰/۱۴۰	-
کنترل	۰/۱۳۷	-
بقای نظام خانوادگی	-۰/۰۱۸	-

همانگونه که در جدول ۲ می بینیم، بین گرایش های روان رنجوری فرزندان با نمرات انسجام ($r = -0.222$ و $p < 0.05$) و بیانگری ($r = -0.205$ و $p < 0.05$) رابطه ی منفی و با تعارض ($r = 0.225$ و $p < 0.05$) رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. در بُعد رشد شخصی خانوادگی، بین گرایش های روان رنجوری فرزندان با مقیاس پیشرفت مدار ($r = 0.265$ و $p < 0.05$) رابطه ی مثبت و معنادار وجود دارد. در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه به شیوه ی مرحله ای ارایه شده است.

جدول ۳: پیش بینی رفتار نوروتیکی بر اساس مقیاس های جو خانوادگی

متغیرهای پیش بین	R	R ²	β	p
پیشرفت مدار	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰	۰/۲۶۵	۰/۰۲۷
انسجام	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	-۰/۳۲۶	۰/۰۰۷
بیانگری	۰/۴۶۸	۰/۲۱۹	-۰/۲۲۸	۰/۰۴۲

نتایج حاصل از جدول ۳ حاکی از آن است که نمرات انسجام و بیانگری از بُعد رابطه، خانوادگی و نمرات پیشرفت مداری از بُعد رشد شخصی خانوادگی، توان پیش‌بینی گرایش‌های روان رنجوری را دارد. بدین صورت که نمرات بیانگری، پیش‌بینی کننده‌ی منفی و معنادار ($\beta = -0/228$ و $p < 0/05$) گرایش‌های روان رنجوری است؛ یعنی به ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار، متغیر پیش‌بین (نمرات بیانگری) به اندازه‌ی $0/228$ در انحراف معیار متغیر ملاک (گرایش‌های روان رنجوری) تغییر ایجاد می‌شود. از طرفی، مقیاس انسجام به صورت منفی و معنادار ($\beta = -0/326$ و $p < 0/05$) گرایش‌های روان رنجوری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؛ بدین معنی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر پیش‌بین (نمرات انسجام)، به اندازه‌ی $0/326$ در انحراف معیار متغیر ملاک (گرایش‌های روان رنجوری) تغییر ایجاد می‌شود. همچنین، نمرات پیشرفت مداری به صورت مثبت و معنادار ($\beta = 0/265$ و $p < 0/05$) گرایش‌های روان رنجوری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر پیش‌بین (نمرات پیشرفت مداری)، به اندازه‌ی $0/265$ در انحراف معیار متغیر ملاک (نمرات روان رنجوری) تغییر ایجاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

رفتار گرایان، محیط را به عنوان یک عامل کنترل کننده و سهیم در رفتار انسان مورد تاکید قرار می‌دهند و سیستم خانوادگی - خصوصاً والدین - را به عنوان یکی از مهم ترین محیط‌ها می‌شناسند (برازول و بلوم کویست^۱، ۱۹۹۱؛ فورهند و مک ماهون^۲، ۱۹۸۱؛ پترسون و بنک^۳، ۱۹۸۹). از دیدگاه رفتاری، والدین از طریق رفتار خود به عنوان الگو، پاداش انتخابی فعالیت‌ها در درون خانواده و ایجاد یک جو اجتماعی، در رفتار کودکان تاثیر می‌گذارند. والدین ممکن است خصمانه و طرد کننده یا گرم و پذیرنده باشند و از این طریق، بازیگران اصلی سیستم خانواده اند، نفوذ زیادی بر فرزندان دارند و نقش آنها در بسیاری از پژوهش‌ها (مان و مک کنیزی^۴، ۱۹۹۶؛ فایر^۵ و همکاران، ۱۹۹۰؛ کندال^۶ و همکاران، ۱۹۹۲؛ مینوچین^۷ و همکاران، ۱۹۷۸) مورد تاکید قرار گرفته است.

1. Braswell & Bloomquist
2. Forehand & McMahan
3. Patterson & Bank

4. Mann & Mackenzie
5. Fyer
6. Kendall

7. Minuchin

یافته‌های این پژوهش، نشان داد که بین گرایش‌های روان رنجوری فرزندان با انسجام و بیانگری از بُعد رابطه‌ی خانوادگی، رابطه‌ی منفی و معنادار دارد و نتایج حاصل از رگرسیون نشان دادند که این دو مقیاس، توان پیش‌بینی گرایش‌های روان رنجوری را در فرزندان دارند؛ بدین صورت که مقیاس بیانگری، پیش‌بینی کننده‌ی منفی و معنادار گرایش‌های روان رنجوری است. نمرات انسجام و گرایش‌های روان رنجوری فرزندان، با نمرات تعارض، رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. با یافته‌های حاصل از این پژوهش، می‌توان به این نتیجه رسید که در محیط گرم و دوستانه‌ی خانواده که در آن پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده، دارای روابط خوب و صمیمانه‌ای هستند، معمولاً فرزندان سالم، با شخصیتی مثبت و فعال بارمی‌آیند؛ درحالی‌که وضعیت مغشوش خانواده، ستیز و اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت‌آمیز والدین، از علل مهمی است که جوانان را دچار نگرانی و ناامنی کرده، در خود فرو می‌برد و به کناره‌گیری از دیگران به ویژه پدر و مادر می‌کشاند. در نتیجه‌ی چنین شرایطی، به دلیل گمسته شدن روابط فرد با والدین و فشار یا خواست درونی برای ارضای نیازهای مادی و معنوی، رفتارهای روان رنجوری در فرد ایجاد می‌شود (استوارت^۱ و دیگران ۲۰۰۳؛ دیشون^۲ و دیگران، ۲۰۰۴؛ دوبات^۳ و دیگران، ۲۰۰۷).

منابع

- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: آوای نور.
- غنی‌آبادی، خدیجه‌السادات (۱۳۷۸). نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک. ویژه‌نامه‌ی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، شماره ۱۲، ۱۷-۱۳.
- ماسن، پاول هنری؛ کاگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول؛ کانجر، جان جین وی (بی تا). رشد و شخصیت کودک. ترجمه‌ی مهشید پاسایی (۱۳۸۰). تهران: نشر مرکز.
- Ballantine, J. (2001). Raising Competent Kids: The Authoritative Parenting Style. *Childhood Education*, 78, 1, 46-48.
- Harrison, K. (2002). Parental Training for Incarcerated Fathers: Effects on Attitudes, Self-Esteem and Children's Self-perception. *Journal of Social Psychology*, 137, 4, 604-612.

1. Stewart
2. Dishion
3. Dubat

- Moos, R.H. and Moos, B.S. (1994). *Family Environment Scale Manual: Development, Application, Research* (3rd Edition), California: Consulting Psychologists Press, Inc.
- Dhillon, K. (2005). *Attention Deficit Hyperactivity Disorder in School Children: Prevalence and Family Environment Risk Factors*. Unpublished Ph. D. Thesis, Panjab University, Chandigarh, India.
- Diaz, D. M. V. (2005). *The Relations Among Parenting Style, Parent-Adolescent Relationship, Family Stress, Cultural Context and Depressive Symptomatology Among Adolescent Females*. Unpublished Ph. D. Thesis, Georgia State University.
- Halloran, E. C. j Ross, G. J. and Carey, M. P. (2002). The Relationship of adolescent Personality and Family Environment to Psychiatric diagnosis. *Child Psychiatry and Human Development*, 32 (3), 201- 216.
- Dishion, T. J., Nelson, S. E and Bullock, B. M. (2004). *Premature Adolescent Autonomy: Parent Disengagement and Deviant Peer Process in The Amplification of Problem Behavior* . *Journal of Adolescence*, 27, 515-530.
- Dubat, K., Punia, S. and Goyal, R. (2007). A Study of Life Stress and Coping styles Among Adolescent Girls. *Journal of Social Science*, 14 (2), 191-194.
- Stewart, S. M., Bond, M. H., Chan, W., Zaman, R. M., Dar, R. and Anwar, M. (2003). Autonomy from Parents and Psychological adjustment in an interdependent culture. *Psychology and Developing Societies*, 15 (1), 31- 49.

Archive of SID